

مقابله دو ترجمه از خدایان تشنه‌اند

- ترجمه اول: *خدایان تشنه‌اند*، نوشته: آنا تول فرانس، ترجمه: کاظم عمادی
- تهران، نشر جامی، چاپ دهم، ۱۳۷۰
- ترجمه دوم: *خدایان تشنه‌اند* نوشته: آنا تول فرانس، ترجمه: محمدتقی غیائی
- تهران، نشر سرو، چاپ اول، ۱۳۶۳
- مشخصات متن اصلی: FRANCE (Anatole), (Ldp), *Les dieux ont soif*, p. éd. Calmann-Lévy 1975.

برخی از شاهکارها و آثار ادبی جهان به دلیل شهرت و اهمیت به قلم مترجمان گوناگون ترجمه و منتشر می‌شود و از میان این نوع ترجمه‌ها غالباً ترجمه برتر اقبال بیشتری می‌یابد و گوی سبقت را از دیگران می‌ریابد. اما عکس این قضیه نیز گویا ممکن است اتفاق بیفتد، زیرا گاهی در بازار کتاب به چاپ مکرر ترجمه‌ای از یک اثر برمی‌خوریم که لزوماً بهترین ترجمه نیست و دریغ‌ا که خوانندگان نیز غافل از اینکه ترجمه‌ای بهتر هم وجود دارد، نسخه‌های آن را یکی پس از دیگری خریداری و زمینه را برای چاپ بعدی کتاب و سود ناشر آماده می‌کنند.

انگیزه اصلی نگارنده این سطور در تدوین این مقاله که موضوع آن مقابله دو ترجمه از یک اثر است، در وهله اول اعتلای آگاهی خوانندگان راجع به تفاوت‌های میان دو ترجمه و در وهله دوم ارائه نمونه‌هایی از نحوه ترجمه دو کتاب برای جلب توجه و دقت بیشتر مترجمان نوآموز و علاقه‌مندان فن ترجمه است.

ترجمه عمادی اول بار در سال ۱۳۲۴ منتشر شده و پس از آن ده بار بدون تجدید نظر مکرراً به چاپ رسیده است ولی ترجمه دکتر غیائی متعلق به سال ۱۳۶۳ است، یعنی فاصله زمانی بین دو ترجمه قریب چهل سال است.

اینک در بخش‌های جداگانه به بررسی دو ترجمه پرداخته و در هر بخش کوشیده‌ایم ابتدا اشاره‌ای به موارد اشکال ترجمه عمادی داشته باشیم و سپس نحوه رفع اشکال را در ترجمه دکتر غیائی جستجو کنیم و در واقع امتیازات ترجمه اخیر را بر شماریم:

۱- اجتناب از ترجمه تحت‌الفظی

پای‌بندی به متن اصلی در هر ترجمه رکن اساسی است اما رعایت این اصل به گونه‌ای افراطی و خشک گاهی سبب می‌شود که مترجم دانسته یا ندانسته به سوی ترجمه تحت‌الفظی سوق یابد و از ساده نویسی دورافتد. عمادی در ترجمه خود بیش از حد لازم پای‌بند متن اصلی بوده است و در نتیجه جملات او غالباً باهمان قالب و ترکیب زبان مبدأ به فارسی برگردانده شده است. ولی دکتر غیائی

علاوه بر رعایت اصل پای بندی به متن اصلی توانسته است متناسب با روح زبان فارسی پا جای پای نویسنده گذارد و خواننده را از سر درگمی نجات بخشد.

-J'ai une petite couturière qui travaille comme un ange et qui n'est pas chère: je vous l'enverrai. (p. 98)

ترجمه عمادی- من خیاطی سراغ دارم که مثل فرشته کار می کند و زیاد هم گران نیست: شما را نزد او خواهم فرستاد. (ص ۱۱۴)

ترجمه دکتر غیائی- من خیاطی دارم که کارش واقعاً عالی است، گران هم نمی گیرد: او رامی فرستم بیاید پیش شما. (ص ۱۵۰)

-Le plus probable, à mon sens, c'est que le Tribunal révolutionnaire amènera la destruction du régime qui l'a institué (p.114)

ترجمه عمادی- بمقیده من، بنزدیکترین احتمال دادگاه انقلابی انهدام رژیم را که خود موجب ایجاد آن گردیده باعث خواهد شد. (ص ۱۲۷)

ترجمه دکتر غیائی- به نظر من، محتمل تر از همه این است که دادگاه انقلاب باعث سرنگونی حکومتی شود که دادگاه را به راه انداخته است. (ص ۱۷۳)

-Sur une cour, où s'élevait un arbre de la liberté, un peuplier, dont les feuilles agitées rendaient un perpétuel murmure, la chapele, d'un style pauvre et maussade, lourdement coiffée de tuiles, présentait son pigeon nu, percé d'un œil-de-bœuf et d'une porte cintrée. (p.133)

ترجمه عمادی- در وسط یک حیاط که در آنجا یک درخت "آزادی" و یک درخت تبریزی بالا رفته بود و برگهای لرزان آن همیشه زمزمه ملایمی می کردند، بنای کلیسا با یک سبک بیقواره و نامطبوع و باسقفی سفالین قرار داشت. (ص ۱۴۵)

ترجمه دکتر غیائی- در حیاطی که یک "درخت آزادی" یعنی صنوبری [!] در آن قد برافراشته و برگهای لرزانش پیوسته در زمزمه بود، نمازخانه با هنجار فقیرانه و ملال انگیز، با آن بام سنگین سفالین، کنگره برهنه دیوار، روزنه بیضی و در طاقی، خودنمایی می کرد. (ص ۲۰۱)

-La pauvre mère, blanche comme sa coiffe,...(p. 184)

ترجمه عمادی- بیچاره مادر که رنگش مثل کلاهش سفید شده بود.....(ص ۱۹۶)

ترجمه دکتر غیائی- مادر بیچاره که رنگش مثل مرده سفید شده بود... (ص ۲۷۲)

۲) اجتناب از ترجمه اشتباه

بروز اشتباه در ترجمه ناشی از ضعف یا غفلت مترجم است. در ترجمه عمادی به مواردی برمی خوریم که وی دچار خطا گردیده است. شاید بتوان بروز اشتباه در ترجمه او را به صورت زیر برشمرد:

• پای بندی شدید به ترجمه تحت اللفظی، برای نمونه:

-On disait naguère, à l'académie, qu'il portait la tête de Bacchus sur le corps d'Hercule. (P.33)

ترجمه عمادی - سابقاً فرهنگستان درباره او می گفتند که او سر باکوس را روی بدن هرکول گذاشته.
(ص ۵۱)

ترجمه دکتر غیائی - سابقاً در فرهنگستان می گفتند که سرش سر باکوس (خدایند شراب) و تنش تنه هرکول است. (ص ۵۸)

* توجه نکردن به زمان فعل، برای نمونه:

-Excusez-moi, monsieur, dit-il au Père Longuemare, de vous avoir tiré par les pieds dans votre lit. (P.191)

ترجمه عمادی - به پدر لونگمارگفت "مرا عفو کنید از اینکه در تختخواب از پاهایتان می کشیدم" (ص ۲۰۳)

ترجمه دکتر غیائی - به پدر لونگمارگفت: "حضرت آقا، ببخشید که پایتان را گرفتیم و شما را از تخت پائین کشیدم." (ص ۲۸۲)

* سهل انگاری در معادل یابی صحیح واژگان، برای نمونه:

- Rien n' était changé, ni les haches, les fisceaux, les bonnets rouges du papier de tenture, ni les outrages jetés par les tricoteuses des tribunes a ceux qui allaient mourir. (p. 236)

ترجمه عمادی - هیچ چیز تغییر نکرده بود، نه تیرها و نه تفنگها و نه فینه های قرمز، کاغذ دیواری و نه فحش و دشنام هایی که زنان تماشاچی بمحکومین بمرگ حواله میدادند. (ص ۲۵۳)

ترجمه دکتر غیائی - هیچ چیز تغییر نکرده بود: نه تیرها، نه تبرزنهای متقاطع، نه شبکلاه سرخ روی کاغذ دیواری، نه دشنامهایی که از سوی زنان بافنده نثار محکومین به مرگ می شد. (ص ۳۴۸)

۳) رعایت امانت در ترجمه

کلمه ها و جمله های متعددی از متن اصلی در ترجمه عمادی منعکس نشده است. برحسب ظاهر حذف برخی از این عبارات عمدی و برخی دیگر ناشی از شتابزدگی یا ضعف مترجم بوده است.
* نمونه ای از حذف (ناشی از شتابزدگی یا ضعف مترجم):

- De chaque côté de la porte, une baie semblable, avec une tête de nymphe en clef de voûte, garnie de vitres aussi grandes qu'il s'en était pu trouver, offrait aux regards les estampes à la mode et les dernières nouveautés de la gravure en couleurs. On y voyait, ce jour-là, des scènes galantes traitées avec une grâce un peu sèche par Boilly, Leçons d', amour conjugal et Douces résistances, dont se scandalisaient les Jacobins et que les purs dénonçaient à la Société des arts; la Promenades publique de Debu-court, avec un petit- maitre en culotte serin, étalé sur trois chaises, des chevaux du jeune Carle Vernet, des aérostats, la Bain de Virginie et des figures d'après l'antique. Parmi les citoyens dont... (p. 20)

ترجمه عمادی - در هر طرف در، پنجره ای نظیر آن که یک سر "نمف" در بالای آن تعبیه گشته و مزین به شیشه های بزرگ بود، استامپ های مد و آخرین نوظهوری گراورسازی رنگی را بمشتریان نشان

میداد، میان همشهریهایی که... (ص ۳۷)

ترجمه دکتر غیائی - در دو سوی درگاه، درگاه مشابهی بود با سر مجسمه‌ای از پریزاد کوهساران بر فراز طاق، و ه درگاه دارای بزرگترین شیشه‌ای که می‌شد پیدا کرد و در آن باسمه‌های باب روز و تازه‌ترین حکاکی رنگی به معرض تماشا و فروش گذاشته شده بود. آن روز صحنه‌های عاشقانه‌ای در آن دیده می‌شد که اثر "بو آبی" بود و نقاش آنها را با لطف بی‌روحي کشیده بود: نظیر "درسهایی درباره دل‌بستگی به همسر" یا "پرهیز دل‌انگیز" که اعضای انقلابی باشگاه ژاکوبین از مشاهده آن ناراحت می‌شدند و کسانی که خلوص انقلابی بیشتری داشتند به انجمن هنرمندان شکایت می‌کردند، مثلاً پرده "گردشگاه همگانی" اثر "دوبوکور" که یک جوانک قرتی را با شلوار زرد پاچه‌تنگ نشان می‌داد و روی سه صندلی قرار گرفته بود، "اسبها" اثر کارل ورنه، "چند بالون"، "آب‌تنی و ویرژینی" و چهره‌هایی چند به سبک و شیوه دوره باستان. از میان شهروندانی که... (ص ۳۹)

۴) یافتن معادل‌های مناسب برای برخی از واژگان

بسیاری از واژگان متن اصلی که جزو واژگان کلیدی رمان خدایان تشنه‌اند محسوب می‌شوند در ترجمه عمادی و امگیری شده یعنی معادلی برای آنها در زبان فارسی در نظر گرفته نشده و کلمات به همان صورت اصلی ولی با املای فارسی در متن ترجمه به کار رفته‌اند. در حالی که دکتر غیائی در ترجمه خود توانسته است برای هر کدام معادل دقیق فارسی را به کار ببرد. در زیر فهرست وار این واژگان را متذکر می‌شویم (داخل پرانتز شماره اولین صفحه‌ای است که واژه در آن آمده است):

واژه فرانسه	ترجمه دکتر غیائی	ترجمه عمادی
Section	شورای برزن (۱۳)	سکسیون (۱۷)
Convention	مجلس ملی (۱۴)	کنوانسیون (۱۹)
fédéraliste	هوادر خودمختاری (۱۵)	فدرالیست (۱۹)
Comité	شورا (۱۵)، انجمن (۲۴۹)	کمیته (۲۰)
Commune	شورای عمومی شهر (۱۷)	کمون (۲۱)
sans-culotte	هوادر خوب انقلاب (۱۵) جوان انقلابی پرشور (۳۶)	سان‌کولت (۲۰)
composition	پرده [نقاشی] (۲۵)	کمپوزیسیون (۲۷)
terreur	وحشت (۲۶)	ترور (۲۸)
Marseillaise	سرود انقلاب (۲۹)	مارسییز (۳۰)
régime	دوره، حکومت (۳۶)	رژیم (۳۵)
estampe	باسمه (۳۸)	استامپ (۳۷)
mode	باب روز (۳۸)	مد (۳۷)
gravure	تصویر حکاکی شده (۴۰)	گراور (۳۸)
modèle	نقشه (۴۸)	مدل (۴۳)

masque	صورتک (۴۹)	ماسک (۴۴)
trèfle	گشنیز (۵۱)	ترفل (۴۵)
carreau	خشت (۵۱)	کارو (۴۵)
gendarme	ژاندارم (۶۹)، پاسبان (۲۷۳)	ژاندارم (۵۸)
commissaire	مأمور برزن (۸۳)، کلانتر (۲۴۳)	کمیسر (۶۹)
club	باشگاه (۱۰۱)	کلوب (۸۱)
garde	نگهبان (۱۱۶)	گارد (۹۱)
Président	رئیس [دادگاه] (۱۲۳)	پرزیدان (۹۵)
palais	کاخ (۱۳۱)	پاله (۱۰۱)
Parlement	مجلس مشورتی (۱۳۳)	پارلمان (۱۰۲)
dantonistes	هواداران دانتون (۲۰۱)	دانتونیستها (۱۴۵)
Père Magitot	پدر ماژیتو (۲۱۷)	پرماژیتو (۱۵۵)
livre	لیره (۲۳۳)	لیور (۱۶۹)
Hôtel de ville	شهرداری (۳۳۷)	هتل دوویل (۲۴۵)
dictateur	خودکامه (۳۴۷)	دیکتاتور (۲۵۲)
orchestre	گروه موسیقی (۳۶۰)	ارکستر (۲۵۲)
loge	جایگاه (۳۶۰)	لو (۲۶۲)
théâtre	تماشاخانه (۳۶۱)	تئاتر (۲۶۳)

۵) یافتن معادل‌های مناسب برای برخی از عبارات و اصطلاحات

وفاداری زیاده از حد در برگردان مطالب گاهی مانع از یافتن معادل‌های مناسب و رایج برای برخی از عبارات و اصطلاحات می‌شود. بد نیست مترجم کمی با دیده باز به مطالب متن اصلی بنگرد و در برگردان مطالب ذوق و توانایی خود را در زیان مادری یا زیان مقصد به نمایش گذارد.

- Comme les Israélites au désert, les Parisiens se lavaient avant le jour s'ils voulaient manger. (p. 52)

ترجمه عمادی - پاریسی‌ها برای بدست آوردن نان مثل یهودیهای بیابان پیش از طلوع فجر از خواب برمیخاستند. (ص ۶۸)

ترجمه دکتر غیائی - پاریسیانی که می‌خواستند نهار بخورند، درست مانند قوم موسی در صحرای سینا، پیش از سپیده‌دم از خواب برمی‌خاستند. (ص ۸۲)

- Tremble, scélérat! la roche Tarpéienne est près du Capitole. (p. 227)

ترجمه عمادی - برترس، ای جانی! سنگ تارپین نزدیک کاپیتول است. (ص ۲۴۳)

ترجمه دکتر غیائی - باید بلرزی، آدمکش! فواره چون بلند گردد سرنگون شود! (ص ۳۳۴)

۶) اعمال سلیقه در ترجمه

اعمال سلیقه در ترجمه بیشتر به ذوق و قریحه و میزان معلومات مترجم و علاقه او نسبت به کار ترجمه بستگی دارد. بدیهی است هرچه سطح سواد و تجربیات مترجم بیشتر باشد، به همان اندازه ترجمه او بهتر و پخته‌تر از کار در می‌آید. دقت و حوصله مترجم در پرداختن عبارات و آرایش جملات را نیز نباید نادیده گرفت. در ترجمه عمادی سلیقه کمتر به چشم می‌خورد، به عکس دکتر غیائی در ترجمه خود سلیقه بیشتری به خرج داده است، برای نمونه:

- 'Dessinez-moi un modèle, je vous prie. En l'attendant, je déferai comme Pénélope ce qui a été fait en votre absence'. (p. 27)

ترجمه عمادی- خواهش می‌کنم یک مدل برای من رسم کنید و در این فاصله منم مثل پنلوط آنچه در غیبت شما درست شده بود از بین خواهم برد. (ص ۴۳)

ترجمه دکتر غیائی- از شما خواهش می‌کنم که نقشه‌ای برای من بکشید. در این فاصله، من هم مثل پنلوط هرچه در غیاب شما رشته بودم پنبه خواهم کرد. (ص ۴۸)

- Nous en avons trop vu, de ces grands citoyens que vous n'avez conduits au Capitole que pour les précipiter ensuite de la roche Tarpéienne. (p. 30)

ترجمه عمادی- ما از این اشخاص بزرگی که شما آنها را به "کاپیتول" نبرده‌اید مگر برای اینکه بعداً آنها را از صخره "تارپی" سرنگون کنید، زیاد دیده‌ایم. (ص ۴۷)

ترجمه دکتر غیائی- از این شهروندان برجسته و خدمتگزاری هم که اول به اوج عزت می‌رسانید و بعد هم به خاک سیاهشان می‌کوبید، زیاد دیده‌ایم. (ص ۵۴)

- Il haussa les épaules: 'Ma vie est finie, mon enfant. Vivez et soyez heureuse.' (p. 195)

ترجمه عمادی- [بروتو] شانه‌ها را بالا انداخته و گفت: "زندگانی من پایان رسیده، فرزند، شما زنده باشید و خوش باشید." (ص ۲۰۷)

ترجمه دکتر غیائی- [فیلسوف] شانه بالا انداخت و گفت: "دخترم، آفتاب عمر من به لب بام رسیده است. شما زنده بمانید و شادکام باشید." (ص ۲۸۸)

۷) رعایت زبان معاوره در نقل قول

- 'Ah! s'écria la jolie fille blonde, nous en avons encore pour une heure, et il faudra, ce soir, recommencer la même cérémonie à la porte de l'épicière. On risque la mort pour avoir trois œufs et un quarteron de beurre. — Du beurre, soupira la citoyenne Dumonteil, voilà trois mois que je n'en ai vu!' Et le chœur des femmes se lamenta sur la rareté et la cherté des vivres... (p. 56)

ترجمه عمادی- در این هنگام دختر مو بور فریاد زد: "آه! باز یک ساعت دیگر باید معطل شویم و امشب باز همین تشریفات را باید جلوی دکان عطاری از سر بگیریم، مردم برای بدست آوردن سه دانه تخم مرغ و چند گرم کره جان خود را به خطر می‌اندازند. زن دوموتی به شنیدن نام کره آهی کشیده گفت: "کره، الان سه ماه است که من رنگش را ندیده‌ام!" و سپس همه زن‌ها یک‌آهنگ از کیمیایی و گرانی

خواروبار زیان به شکوه گشودند. (ص ۷۲)

ترجمه دکتر غیائی - صدای دخترک قشنگ و مو بور بلند شد. می‌گفت: "واخ، به ساعت دیگه باس اینجا بمونیم! تازه بعد از ظهر هم باس همین مراسم دم دکون بقالی برگزار کنیم! واسه سه تا دونه تخم مرغ و بیست و پنج گرم کره باس چون مردم به لبشون برسه!" همسر شهروند دوموته آهی کشید و گفت: "سه ماهه که من رنگ کره روند یدم!" آنگاه همه زنهارهمنوا گشتند و از کمبود و گرانی خواروبار ناله سر دادند. (ص ۸۹)

۸) آوردن توضیحات ضروری در پاورقی

هر دو ترجمه عمادی و دکتر غیائی مملو از پاورقی است زیرا در کتاب خدایان تشنه‌اند اسامی خاص بسیاری به کار رفته است که برای خواننده فارسی ناآشنا می‌نماید و نیازمند توضیح است. دکتر غیائی علاوه بر پاورقی‌هایی که عمادی در ترجمه خود آورده است، مواردی را توضیح می‌دهد که لازمه فهم درست خواننده فارسی‌زبان و درک عمیق او از متن اصلی است. برای نمونه:

- Si j'étais de votre président, je ferais comme Bridioie, je m'en rapporterais au sort des dés. (p. 83)

ترجمه عمادی - اگر من رئیس شما بودم مثل "برویدا" عمل میکردم و حکم را با انداختن طاس تخته‌نرد صادر مینمودم. (ص ۹۹)

ترجمه دکتر غیائی - اگر من رئیس دادگاه شما بودم، عین بریدوا (پاورقی: قاضی جاهل و ابله نمایشنامه عروسی فیگارو اثر بومارشه، نویسنده آزادیخواه سده هژدهم - م.) عمل می‌کردم و حکم را از روی طاس بازی صادر می‌کردم. (ص ۱۲۸)

* * *

با اینکه ترجمه دکتر غیائی از هر حیث نسبت به ترجمه عمادی برتری دارد و نمونه‌ای از ترجمه خوب است، اما در مواردی انگشت‌شمار خالی از اشکال نیست، برای نمونه: جمله کلیدی *Les Dieux avaient soif*. خدایان تشنه بودند. "که عمادی آن را در ترجمه خود آورده است (ص ۱۰۰) در پایان اولین پاراگراف از فصل نهم ترجمه غیائی (ص ۱۲۹) نیامده است؛ عدد ۱۸ در بسیاری از صفحات (صص ۳، ۹، ۸۶، ۱۲۸، ...) با املای "هژده" و در مواردی با املای "هیجده" (ص ۲۴۹) ذکر شده است؛ گاهی نیز برخی از عبارات دقیقاً ترجمه نشده است، برای مثال:

- Des jeunes gens, attablés à l'entresole, dans les salons des traiteurs à la mode, se mirent aux fenêtres, leur serviette à la main. (p. 237)

ترجمه عمادی - جوانانیکه در سالنهای مهمانخانه نشسته بودند، حوله بدست به پشت پنجره‌ها شتافتند. (ص ۲۵۴)

ترجمه دکتر غیائی - جوانانی که پشت میزهای رستورانهای معروف نشسته بودند، با دستمال سفره خود به پشت پنجره شتافتند. (ص ۳۴۹)

باری، اینها عمده‌ترین مواردی بود که هنگام مقابله این دو ترجمه با متن اصلی آن، به آنها برخوردیم. امیدوارم حاصل کار راهگشای مشتاقان ترجمه و الهام‌بخش مترجمان جوان واقع شود.

خوشبختانه این مقابله به لطف ترجمه خوب آقای دکتر محمدتقی غیائی میسر شد و از طریق ترجمه ایشان، معایب ترجمه عمادی بهتر مشخص گردید. شایان ذکر است که هنوز بسیاری از ترجمه‌های موجود که مکرر تجدید چاپ می‌شوند از سنخ ترجمه عمادی هستند و به‌جاست که مترجمان صلاحیت‌داری کمر همت بیندند و با ترجمه دوباره آثار، معایب ترجمه‌های نخستین را از میان بردارند و خوانندگان را چنانکه باید با آثار ارزشمند آشنا سازند و آنها را از سردرگمی نادانسته‌رهای بی‌بخشد.

محمد جواد کمالی